

سقوط الرمادی؛ چرا آمریکا نمی خواهد باور کند؟

زمانی که برخی بازیگران وابسته به خارج در داخل عراق و برخی بازیگردانان خارج از این کشور در قضیه تکریت شروع به سنگ اندازی کردند...



زمانی که برخی بازیگران وابسته به خارج در داخل عراق و برخی بازیگردانان خارج از این کشور در قضیه تکریت شروع به سنگ اندازی کردند و با ایرادگیری از نقش ایران و همچنین جریان های اصیل مقاومت مردمی در عراق چوب لای چرخ مقابله با داعش گذاشتند مشخص بود که این بازی فرقه ای جدید و خواب دیده شده برای وحدت این کشور فرجام و تعبیر خوشی نخواهد داشت.

الرمادی خیلی راحت تر از حد تصور سقوط کرد. اگرچه از هفته ها پیش و پس از آزادسازی تکریت عراق، حملات پراکنده و صدای انفجارها گاه و بیگاه تن مردم این استان عمدتا عشایر نشین عراق را می لرزاند، تنها یک حمله دو روزه کافی بود تا قلب الانبار از کار بیفتد و شهری که مرکز استانی با وسعت یک سوم خاک عراق است باز هم در سناریویی قابل تامل شبیه به طرحی که درباره موصل پیاده شد به مستغلات داعش ضمیمه شود.

حالا برخی مخاطبان اخبار در پایگاه های اینترنتی ذیل اخبار مربوط به سقوط الرمادی این سوال را هم مطرح می کنند که «پس سردار سلیمانی کجاست؟» اما آنهایی که اخبار و تحولات عراق را در هفته های اخیر رصد می کردند به خوبی پاسخ سوال هایی از این دست را می دانند.

سقوط الرمادی در واقع از عملیات آزادسازی تکریت کلید خورد؛ جایی که قرار شد بدون حضور نیروهای داوطلب مردمی (الحشد الشعبی) آزاد شود و گویا قرار نبود چهره هایی مانند عزت ابراهیم الدوری، زنده به دست مبارزان واقعی با تروریسم بیفتند و ناگفته ها و ناشنیده ها درباره برخی بازیگران داخلی و خارجی سناریوی خیانت در عراق گفته و شنیده شود. از این منظر، آسیب و علت اصلی منجر به از سقوط الرمادی عراق به دست تروریست های داعش را باید در فراخوان اخیر حیدر العبادی نخست وزیر این کشور برای ورود دوباره نیروهای داوطلب مردمی موسوم به «حشد الشعبی» به صحنه دید.

اکنون هم مانند مداخله و تعللی که آمریکایی ها در همان بدو قدرت گیری داعش در عراق از خود نشان دادند و کاری کردند که دولت عراق به کمک های آنها کاملاً تشنه شود و راه برای امتیازگیری های سیاسی با اعمال فشار به وسیله ابزار داعش بر دولت نوری المالکی باز شود، پروژه دیگری در انتظار عراق است.

آمریکایی ها بازی های امنیتی را خوب بلدند. ابتدا طرحی را به کنگره بردند که بر اساس آن، دولت آمریکا اجازه می یافت کردها و اهل سنت را مستقیم و بدون هماهنگی با دولت مرکزی مسلح کند. این یعنی هر اقلیم برای خودش ارتش و سازوبرگی مجزا داشته باشد و ارتش و سلاح مجزا یعنی تمامیت ارضی مستقل و در نهایت تجزیه کشوری که پتانسیل های خطرناکی را در خود برای اسرائیل و رژیم های پادشاهی عربی منطقه دارد.

طرح تسلیح مستقیم قومیت ها و مذاهب عراق برای تجزیه این کشور به دیوار مقاومت بعضی شخصیت های عراقی و برخی طرف های منطقه ای نگران از تجزیه این کشور خورد، اما نقشه جایگزین برای تجزیه عراق در دستور کار قرار گرفت؛ درست مانند طرحی که ناباورانه موصل را در تابستان گذشته تقدیم تروریست های آموزش دیده داعش و بازماندگان زخم خورده حزب بعث در عراق کرد.

همان زمان (ابتدای توسعه قلمرو داعش در عراق) نیز آمریکایی ها برای ورود به جنگ با تروریست های خطرناکی که حالا به جای اهداف غربی و خلق 11 سپتامبر دوباره، به جان ملت های منطقه افتاده اند، تعلل کردند نه به این دلیل که در حال ارزیابی از نقاط قوت و ضعف تروریست ها باشند بلکه به این علت که از قرائت آمریکایی لازم بود دولت عراق دست به دامن آمریکایی ها شود و امتیازهای سیاسی به بهانه تهدیدهای امنیتی اخذ شود. به این ترتیب تروریست های سیاهپوش داعش عملاً نقش پیاده نظام آمریکا را در صحنه میدانی نبرد ایفا کردند.

دیروز الرمادی سقوط کرد و آمریکایی ها با وجود اطلاع دقیق از مختصات میدانی نبرد و اعلام رسمی عراق مبنی بر سقوط این شهر همچنان تا همین امروز (دو شنبه) با تاکید می گفتند که الرمادی هنوز سقوط نکرده است؛ گویا باید تمام استان الانبار به دست تروریست ها می افتاد تا واشنگتن برگه بی سلاحی عشایر الانبار را دوباره روی میز بگذارد و سخن از ضرورت تسلیح مستقیم اهل سنت بگوید. از حالا باید منتظر باشیم که حرف و حدیث ها درباره لزوم ادامه سیاست تسلیح قومیتی در عراق قوت بگیرد و نقشه تجزیه عراق وارد فاز بعدی آن شود.

الرمادی در یکصد کیلومتری بغداد اما خیلی مهمتر از آن است که سرنوشت آن به بازی های سیاسی عوامل وابسته داخل عراق یا بازیگردانان خارجی حنه این نمایش گره بخورد.

الرمادی به علت همسایگی با کربلا و بغداد اهرم تعیین کننده ای در پیشبرد تاکتیکی و راهبردی برنامه های بعدی تروریست ها به شمار می رود. الرمادی در مرزهایش به سوریه ملحق شده و از این جهت سرپل و امتداد جغرافیایی قلمرو تروریست های داعش را در سوریه و عراق تشکیل می دهد. این شهر مرکز استان الانبار است و این یعنی یک سوم خاک عراق. دو میلیون نفر

جمعیت دارد و می تواند مبنای تشکیل نیروی نظامی پرتعداد باشد.

حالا خاک، امنیت، جان و ناموس مردم عراق باید قربانی بازی های سیاسی کسانی شود که مدعی مبارزه با تروریسم هستند؛ اما از ابتدای ورود داعش به عراق، شهر موصل و مردم آن را دو دستی تقدیم سیاهپوشان جبهه تکفیر کردند و به اربیل و استانبول و بغداد فرار کردند؛ همان هایی که در کنار داعش، روی دیگر سکه بازی آمریکا با اتحاد و یکپارچگی کشورهای خاورمیانه و امنیت منطقه را بازی می کنند.

حالا آخرین سرباز عراقی هم الرمادی را ترک کرد تا دنباله عراقی سرزمین های تحت حکومت خلیفه خودخوانده داعش به بدنه قلمرو تروریست ها در سوریه متصل شود و خواب تجزیه همزمان عراق و سوریه به تعبیر نزدیکتر شود.

جواد ارشادی- جام جم آنلاین